نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

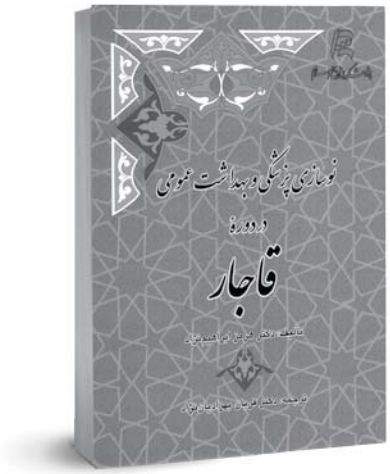

معرفی کتاب

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

نام کتاب:
نوسازی پزشکی و بهداشت عمومی در دوره قاجار

نویسنده:
دکتر هرمز ابراهیم‌نژاد

مترجم:
دکتر قربان بهزادیان‌نژاد

ناشر:
پژوهشکده تاریخ اسلام

نوبت چاپ:
اول ـ ۱۳۹۶

شمارگان:
۱۰۰۰ جلد

قیمت:
۱۶۰۰۰ تومان

آدرس ناشر:
خیابان ولی‌عصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهروز شرقی، شماره ۹، تلفن: ۳ ـ ۸۸۶۷۶۸۶۱

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

آقای دکتر بهزادیان‌نژاد از همکاران فرهیخته‌ای هســتند که اســتادی دانشــگاه تربیت مدرس را دارا می‌باشــند. به قول خودشــان، جهان تنهایی، دورافتادن از خانواده و دوســتان و یافتن آشنایان جدید و باز شــدن افق‌های تازه، اگر قدر داشــته شود، زیبا است.

آقای دکتر قربان بهزادیان‌نژاد، این مســایل را قدر دانســته‌اند و کتاب‌های بــا ارزش و خوبی را ترجمه کرده‌اند. کتاب فوق نیز به بررسی نوسازی پزشکی و بهداشت عمومی در دوره قاجار پرداخته اســت. مترجم در مقدمه به تفصیل در مورد کتاب نوشته‌اند. قبل از آن که به مقدمه بپردازیم، سخن آقای سیدهادی خامنه‌ای، رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام (ناشر کتاب) را با هم مرور می‌کنیم:

«تاریخ هر امت و جامعــه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته اســت. جامعه اسلامی به‌عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشــن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم،اخلاق، فلسفه و هنر نقــش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشــگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیــق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است، تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به‌علت ناتوانی ذاتی آن‌ها از شناخت اسلام ناب و حقیقی ـ به‌دلیل عدم دسترســی مستقیم و بــه دور از تحریف به منابع اصیل و لاجرم اطلاع محدود پژوهشــگران از زمینه‌ها و پس زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساســی و همه جانبه از ســوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیــح و تکمیل تلاش‌های گذشــته ضروری اســت. اگر این حرکت، گســترده، غنی و متکی بر پیشــرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این‌گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسایل مختلف آن، دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام ـ که هم اکنون در آغاز راه است ـ گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های پیوســته به آن، آغاز به کار کــرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این‌رو، پاسخ گویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به‌خصوص پژوهشــگران قرار می‌گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشــر آثار پژوهشی استادان و کارشناســان ـ به‌صورت تألیف و یا ترجمه ـ مانند اثر حاضر، از جمله آن‌ها اســت. البته، برنامه‌هایی هم‌چون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز نیز، برای تحقق هدف یاد شــده در حال پیگیری و اجرا اســت که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آن‌ها افزایش یابد.

این مراکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که انشاءالله به زودی تعداد آن‌ها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که به زودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در شش گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را ـ تاکنون ـ همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به‌وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه،که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.»

همان‌گونه که اشاره شد، آقای دکتر قربان بهزادیان‌نژاد در مقدمه شیوای خود، هدف از ترجمه کتاب را به رشته تحریر در آورده‌اند که با هم مرور می‌کنیم:

«ایران پس از یک دوره شکوهمند تاریخی در وضعیت نه‌چندان خوب به دست سپاه مسلمانان به تسخیر اسلام درآمد و از آن زمان به بعد تا حدی تابعی شد از سرنوشت کلی جهان اسلام، عضوی از جامعه اسلامی که تأثیر بسیار شگرفی بر آن گذاشت و در همه ابعاد علمی، هنری، اجتماعی، پزشکی و ... در پی‌ریزی تمدن نوپا و تألیفی اسلامی نقش آفرینی کرد. تمدنی که در قرن‌های دوم تا ششم هجری درخشش خیره‌کننده‌ای دارد.

افول یا انحطاط یا عقب‌افتادگی ایران باز به شکل حیرت‌آوری با کلیت سرنوشت جهان اسلام هماهنگی، همخوانی و هم‌زمانی آشکاری نشان می‌دهد و بحث‌های پردامنه‌ای در اهل نظر داخلی و خارجی به وجود آورده است. عده‌ای بر آن هستند که آمیختگی دین و دولت از دوره باستان تا کنون را عامل اصلی این وضعیت بدانند و از امتناع اندیشه و تفکر در اثر دین‌خویی و ... سخن می‌گویند.

شماری موقعیت جغرافیایی را برجسته می‌سازند و بر این که ایران در چهارراهی قرار دارد که اکثر نزاع‌ها و درگیری‌ها در آن شکل گرفته و بر آن تأثیر گذاشته است از یک سو و کم‌آبی و مشکلات ناشی از آن و از سوی دیگر، مناسبات تولیدی به وجود آورده است که ثبات پایداری نداشته است و به تعبیر دکتر کاتوزیان به جامعه کلنگی انجامیده، پافشاری می‌نمایند. اینان معتقد هستند این منطقه از جهان محیط مناسبی برای ترقی و پیشرفت از جمله رشد علمی نیست. گروهی تنها عوامل خارجی را مقصر می‌دانند و به تسلط اعراب و چیرگی مغول اشاره می‌کنند و سایرین بر عوامل دیگر تأکید می‌ورزند.

در هر حال، هر عاملی را که علت بدانیم و درباره آن کنکاش نموده، ابعاد مختلف ماجرا روشن گردد و در خصوص آن قلم‌فرسایی شود. منشأ تاریخی آن

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۳

را هر زمانی بدانیم و برای آن استدلال‌ها و دلایل متقن ارایه کنیم و ... معلول یا همان عقب‌ماندگی دوره تاریخـــی محل بحث در این کتاب، بدیهی و مورد توافق همه محققان و اندیشـــمندان است و شاید مهم‌تر از اصل موضوع، آگاهی یافتن درباره پدیده و جســـتجوی راه برون‌رفت است که باز در همین دوره تاریخی مقبولیت عام‌تری یافته است. به‌عبارت دیگر این مسأله به گفتمان غالب نخبگان تبدیل گردیده است.

ریشـــه‌های این آگاهی یا خودآگاهی را باید در پدیده‌ای که در اروپا متولد شـــد و از آن به مدرنیته تعبیر می‌گردد، جستجو کرد.

فرآیندی که گرچـــه بعضی از محققان از جمله عباس میلانی جوانه‌هایـــی از آن را پیش از اروپا در ایران می‌داند و رگه‌هایی را نشان می‌دهد لیکن تردید نیســـت اگر هم این ادعـــا اثبات و پذیرفته گردد، بر روییدن، بالیدن و شـــکوفایی آن در اروپا روی داده است.

به هـــر روی برای این رویداد عظیم نیز همانند دیگـــر رخدادها و تحولات بزرگ تاریخی نباید در جســـتجوی نقطه و سرآغاز بســـیاری روشن بود. قطعاً جرقه‌ها، ایجاد فرآیندها و رویدادهای متعدد، هم‌زمان و ناهم‌زمان در بخش‌های مختلف گیتی، در کنار یکدیگر گرد آمده و تحولی شـــگرف را به وجـــود آورده‌اند. همین منطـــق و فرآیند در پدیده خودآگاهی مورد بحث ما، نیز مصداق دارد و می‌توان ریشه‌های آن را در فرآیندهای شهودی و اکتسابی متفاوتی در دوره‌های خاصی از تاریخ ایران ردیابی نمود که به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرند:

۱ ـ اســـتقرار سلســـله صفویه را که تا حدودی می‌تـــوان هم‌زمان با ظهور و بروز مدرنیته در اروپا دانست. در این دوره رفت و آمدهای سیاسی ایرانیان به اروپا برقرار گردید و در حکومت سلسله‌های پس از آن‌هـــا، ادامه یافت. این ســـفرها در دوره قاجار شـــکل عمومی‌تری پیدا کرد و شـــامل بازرگانان، ســـیاحتگران، کارآفرینان، میسیونرهای مذهبی و ... نیز گردید. ســـفرها و مســـافرانی که از هر سو به شـــکلی بر ایران و جامعه ایرانی تأثیر گذاشت. ایرانیانی که به ممالک خارجی می‌رفتند، هر یک به فراخور فهم و درک خود، دستاوردها و پیشرفت‌های آنان، ارمغانی به کشور می‌آوردند و غربیانی که به ایران ســـفر می‌کردند در شناساندن بیشتر ایران و استعدادها و منابع طبیعی کشور مؤثر بودند. سودای سفر اروپاییان به ایران (و منطقه) با تحول تدریجی اما با سرعت نسبتاً زیادی روبه‌رو گردید. تحولی که از شناخت سرزمین، کشف کانی‌ها، منابع زیرزمینی و اهداف مبلغانه دینی به برداشت از ذخایر، رقابت‌ها و نیز ایجاد عرصه‌ای برای تحقیقات و توسعه علمی تغییر کرده اســـت. گمان می‌رود یکی از خواندنی ترین و در عین حال آموزنده‌ترین چنین سفرهایی جستجو برای کشف نفت باشد.

فرآیندی کـــه آمیزه زیبایی از جســـتجوگری، ماجراجویی، رقابت، آگاهی‌بخشـــی و ... در آن به وضوح دیده می‌شود.

۲ ـ با شکل‌گیری مدرنیته، رویکرد و نگاه نویی برای اســـتفاده از مواهب طبیعی شـــکل گرفت و شکلی از زندگی سیاسی به وجود آمد و کشورهای مختلفی که در همســـایگی ایران قرار داشتند، هر یک به شیوه‌ای تحت تأثیر این پدیده قرار گرفتند و بر ایران لااقل از حیث موضوع بحث ما (نوسازی)

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

در ارتباط و تأثیرگذار بوده‌اند.

هندوستان، ترکیه و روسیه. هندوستان از دیرباز محل علاقه و دادوستد ایرانیان بود. این کشور تحت اشغال استعمار انگلیس در آمد و در آن تلاش‌هایی برای استقرار نهادهای مدرن و نیز اصلاحات عمومی انجام می‌شد. ترکیه نیز به دلیل مجاورت و همسایگی با اروپا و تأثیری که از این تعامل به دست آورده بود، نهادهای مدرن به‌ویژه روزنامه‌ها و هم‌چنین بیمارستان‌ها و مراکز درمانی جدید داشت و بالاخره روسیه که در صدد بود ایران را ضمیمه سرزمین خود نماید و جنگ‌های خانمان‌سوزی با ایران به راه می‌انداخت. بدین‌سان سه کشور با سه نوع تجربه متفاوت یعنی دو کشور اول به نوعی تأثیر فرهنگی و برعکس روسیه با رودررویی قهرآمیز و متکی به سلاح‌های مدرن در ایجاد این خودآگاهی نقش داشتند. گزافه نیست اگر ادعا شود رویارویی نظامی بر نخبگان سیاسی و نظامی که بعدها نوسازی قشون از اولویت‌های کاری آنان گردید، تأثیر بیشتری داشته است. گواه این مدعا سخن شاهزاده قاجار در هنگامه شکست از قشون روسیه است.

۳ ـ چنان که پیش‌تر گفته شد، برخی از نویسندگان در مطالعه مدرنیته معتقد هستند که جرقه‌های آن در ایران تقریباً هم زمان و شاید هم اندکی زودتر نمایان شده است. این فرضیه را بپذیریم و یا آن را مردود بدانیم، گزارش‌های تاریخی که از اواخر دوره صفویه و پس از آن وجود دارد از نوعی نارضایتی نخبگان از وضعیتی که در جامعه مسلمان ایران می‌گذرد، حکایت دارد. فقر و تنگدستی عمومی، بلایای طبیعی، سیل وزلزله که گاه و بیگاه بخشی از کشور را درگیر می‌ساخت. افزون بر این‌ها، ابتلا به بعضی بیماری‌های کشنده‌ای چون طاعون، وبا، سل، امراض مقاربتی، مرگ‌ومیر زیاد کودکان و زنان و ... و بالاخره جنگ‌های ویرانگر، فقدان قانونگرایی و قواعد کنترل‌کننده بهداشت عمومی، چهره عمومی بود که بر کشور حکمفرما بود. این عوامل و مسایل دیگر دست در دست به سختی زندگی، تنگنای معیشتی و نارضایتی انجامیده بود و در چنین وضعیت اسفباری است که خودآگاهی فطری برای دور شدن از چنین سرنوشتی نمایان و گسترش یافت.

به هر حال، برآیند کنش فعال و مستمر گروه‌های مختلف نخبگان و پرسش از چرایی وضع موجود یا همان شناخت علمی عقب‌افتادگی از یک سو و چگونگی برون‌رفت یا دست‌یابی به نقیض عقب‌افتادگی یعنی ترقی و پیشرفت از دیگر سو، همراه گردید. به عبارت دیگر، مبتنی بر چنین شرایط ناخوشایندی است که نخبگان را در جستجوی برون‌رفت، به راه‌حل‌های متفاوتی رهنمون می‌سازد که آن‌ها را در نحله‌های فکری مشخصی می‌توان دید: گروهی که به غربی شدن و دست شستن از ریشه‌های ملی می‌اندیشیدند و جماعتی که بازگشت و احیاء به باورها و سنت پیشینیان را علاج می‌داشتند و خود به دو گروه بازگشت به عظمت ایران باستان و جمعی احیای فکر دینی و اجرای احکام اسلام تقسیم شدند.

بدین‌سان، جامعه ایرانی در دوره قاجار با چنین رویکردهای نظری و تجربه تاریخی با مدرنیته (و مدرنیزاسیون) رویارو گردید. در سیاست،تأسیس

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۳

عدالتخانه و حکومت قانون، در بعد نظامی نوسازی ارتش و در مسایل اجتماعی استقرار نهادهای آموزشی، پزشکی و بهداشتی مدرن از جمله مهم‌ترین عرصه‌های نوسازی هستند. بدین‌سان می‌توان دریافت که چرا نوسازی پزشکی و بهداشت در سه ضلعی حکومت، مردم و نظامی‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد و برای دستیابی به برداشت کلی نخست پیشینه و وضعیت پزشکی و بهداشت عمومی آن روزگار ضروری می‌نماید که در چند محور به ارایه آن می‌پردازیم:

الف ـ شاخص‌های پزشکی و بهداشت رابطه تنگاتنگی با وضعیت اقتصادی و سطح برخورداری آحاد جامعه از امکانات رفاهی و تأمین اجتماعی دارد. چنان که در کتاب «تاریخ تحول ایران از صفویه تا پیروزی انقلاب اسلامی» آمده است وضعیت معیشتی عموم چندان رضایت‌بخش نیست و با توجه به فقدان نظام آماری و یا متولی مشخص در زمینه بهداشت و پزشکی وضعیت شاخص‌هایی چون امید زندگی، میزان موالید، مرگ‌ومیر کودکان، زنان باردار، طول قد، تعداد دندان‌های آسیب‌دیده و ... دقیقاً روشن نیست. لیکن گزارش‌های فراوانی از قحطی در شهرها به‌ویژه در شهر تهران و شیوع بیماری‌هایی چون وبا، مالاریا، طاعون، سل، جذام، امراض مقاربتی، سوء تغذیه و ... حکایت دارند و از سوی دیگر، نهادهای تأمین اجتماعی مسؤولی برای ارایه خدمات سازمان‌یافته به محذوفان و از کارافتادگان وجود ندارد. نهادهای خیریه‌ای، صدقات و اعانات مردمی با توجه به وضعیت عمومی اقتصادی مردم و انبوه مشکلاتی که ایجاد شده، پاسخگوی کافی نیست. وضعیت حکومت با تغییرات پی‌درپی و تا زمانی به طایفه قاجار کاملاً بر اوضاع تسلط نیافته‌اند، چندان ثباتی ندارد و حکومت قاجار نیز با درگیری‌هایی که در جنگ‌ها دارند، کمتر در اندیشه تأمین اجتماعی فراگیر بودند. از این‌رو می‌توان گفت که وضعیت شاخص‌های بهداشتی از جمله ساخت و نظارت بر اماکن عمومی، حمام‌ها، آب‌انبارها، مساجد و ... رضایت‌بخش نبوده است.

ب ـ توانمندی پزشکی و ساختار آن چنان که نویسنده کتاب و نیز مؤلف رساله مورد بررسی گفته‌اند و بر آن تأکید دارند. پیشینه پزشکی ایرانی در دوره‌های شکوفایی تمدنی ایران و نیز در عهد اسلامی درخشان است. لیکن در این دوره آیا از این منابع به‌صورت فراگیر استفاده می‌شود؟ آیا این کتاب‌ها و شیوه‌های درمانی آن‌ها روزآمد و یا تغییری پیدا کرده است؟ دیگر این که آیا به‌صورت سازمان‌یافته آموزش داده می‌شوند؟ و ...

برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی باید به سراغ شاخص‌هایی رفت. شاخص‌هایی که در صحت و تأثیرگذاری آن‌ها، مناقشه کمتری وجود داشته باشد و بدین منظور اشاره‌ای به جایگاه تاریخی نوآوری‌ها و زبان پزشکی اهمیت به سزایی دارند.

۱ ـ نوآوری

تردیدی نیست که محمدبن‌زکریای رازی و ابن سینا و ... ایرانی بوده‌اند. این دو ابداعات و نوآوری‌هایی در پزشکی داشته‌اند و هر یک مسیری را در راه پیشرفت علمی گشوده‌اند. محمدبن‌زکریای رازی پزشکی را دیر آغاز کرد ودر آغاز به کیمیاگری و فلسفه اشتغال داشت. او از آن چه از پزشکی آموخت با نگاه نقادانه به خوبی بهره جست. رازی دریافته بود که در پزشکی به تجربه (اگر چه پیش

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

از وی نیز نمونه‌هایی دیده می‌شود) اهمیت زیادی داده می‌شـــود. از این رو در صدد برآمد مشاهدات، معاینات و درمان‌های خود را به شیوه علمی تدوین کند و در هر مورد روشن کند که آنچه تجویز کرده است مبتنی بر نوشته پیشینیان، تجربه شخصی و ... اســـت و پی‌آیند آن‌ها را مشخص نماید و حتی چه کارهایی باید برای تکمیل آن انجام دهد (کتاب الحاوی). افزون بر این، توجه ویژه‌ای به بیماری فقرا مبذول داشـــت و طب‌المساکین را به رشته تحریر درآورد. دیگری ابن‌سینا است که برعکس پزشکی را از نوجوانی آغاز کرد و با ذهنیت فلسفی و منطقی که داشت به این باور دست یافت که پزشکی نیازمند، نظمی منطقی است. از این رو،کتاب قانون در طب را با چنین رویکردی تألیف نمود. بدین‌سان می‌توان گفت که متدولوژی و بنیان علم پزشکی را روزآمد و استوارتر از پیش ساختند.

۲ ـ زبان فارسی و علم پزشکی

شاید کار ارزنده جرجانی را به نوعی بتوان مکمل کارهای این دو حکیم دانست، زیرا بروز جنبش‌های هویت‌طلبانه و بازگشت به زبان فارسی نخست در شعر فارسی با کارهای ارزنده شاعرانی چون رودکی، فردوسی و ... آغاز شد و سپس به عرصه‌های علمی به‌ویژه پزشکی کشیده شد. جرجانی در این مسیر کتاب‌های ارزنده‌ای مانند ذخیره خوارزمشـــاهی، الاغراض‌الطبیه و ... را به فارسی به نگارش درآورد. کتاب‌هایی که در واقع دانشنامه پزشکی و به قول دکتر مصطفوی عصاره علوم پزشکی تا آن دوران است و به شـــیوه‌ای کاملاً روشمند تنظیم گردیده است. به هر حال، پزشکی در دوره‌ای که از آن به رکود یاد می‌کنیم به‌ویژه در دوره مورد بحث و در آغاز مواجهه با پزشکی مدرن، از نوآوری تأثیرگذار باز مانده بود و حتی می‌توان گفت جز شمار اندکی از رساله‌ها که با رویکرد و یا با حرف تازه‌ای تدوین شده‌اند نتوان تألیف در خور توجهی را معرفی نمود.

ج ـ در تاریخ پزشکی ایران در دوره مورد بحث و یا بهتر اســـت تصریح شود از اواخر دوره صفویه تا صدراعظمی میرزا تقی‌خان امیرکبیر و تأســـیس دارالفنون، هیچ نهاد مســـتقل آمـــوزش در زمینه پزشـــکی و نیز ارایه خدمات درمانی سازمان‌یافته، ســـراغ نداریم. آن‌چه سیستم آموزش پزشکی این دوره را شکل می‌دهد ساختار شاگردی، خانوادگی و احیاناً تدریس پزشـــکی در مدارس دینی است. شـــیوه‌هایی که هر چند دارای مزایایی بودند، ولی توانایی پاســـخگویی به نیاز جامعه و توان رقابت با اندیشـــه‌های نوین پزشـــکی و نیز بهینه‌سازی نظریه‌های پیشین را نداشتند.

د ـ وجه غالب پزشـــکی و علوم بهداشـــتی در این دوره، تحت تأثیر آثار و شـــخصیت‌های دوره تمدن اســـلامی است. پزشـــکی که با دو گفتمان غالب شـــهره می‌باشند: پزشکی جالینوسی و طب مبتنی بر احادیث (طب‌النبی(ص)، طب‌الائمه(ع)). در هر دو گفتمان، رویکرد به پیشـــگیری و استفاده از خوراکی‌ها اهمیت دارد. ولـــی در نگرش دوم نیز نمی‌توان تعامل و پذیرش با پزشکی غربی را حتی در باب مسایل پیشگیری مشاهده کرد. در اولی از اواسط قرن پانزدهم در غرب مبانی دیگری برای بیماری‌ها شـــکل گرفت و کم کم به جای تعادل طبایـــع، موازنه ترکیب‌های شـــیمیایی جایگزین گردیـــده بود و به جای درمـــان با گیاهان و برخی قســـمت‌های حیوانات و کانی‌هـــا از ترکیب‌های

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

شیمیایی اســتفاده می‌شد. جراحی سیستماتیک و منظم مبتنی بر آموزش علمی به موازات پزشــکی به ارایه خدمات می‌پرداخت.

بدین‌سان، ایران در اولین تلاش‌های سامانمندی که از سوی صدراعظم اصلاح‌طلب امیرکبیر صورت گرفت، دو مکتب پزشــکی با یکدیگر مواجه و گاه تعامل و یا رقابت نمودند: پزشــکی زیستی و طب جالینوسی. یکی در اوج شکوفایی و آمادگی جذب هر آن چه برای ســلامت و درمان و پیشگیری از بیماری‌ها مفید است و دیگری به تعبیری فرسوده و از توان بازمانده. پزشکی زیستی دارای ساختاری منظم مبتنی بر روش‌هــای نوین علوم مختلف و برخوردار از آزمایشــگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و .. و پزشکی جالینوســی به تعبیر و سالیوس ضمن آن که دانش کهنه را رواج می‌داد راه را نیز بر تجربیات نو می‌بست و جیمز موریه در هنگام گزارش اولین مایه‌کوبی درباره وبا می‌گوید کســی که از علاقه ایرانیان به حفظ آداب و رســوم قدیمه خود اطلاع داشته باشد می‌فهمد که تغییرات تازه چقدر به چشم مردم ناگوار است. به هر حال، چنین رویارویی که تا حدی در متن کتاب، توسط نویسنده دانشمند به خوبی مورد کاوش و بررسی قرار گرفته روی داده و روند تاریخی یافته است. مبنای این تحقیق چنان که مؤلف بر آن تأکید ورزیده، نســخه خطی است که از دوره قاجار به یادگار مانده اســت. نسخه‌ای که ترجمه انگلیسی و نیز متن فارسی آن به همراه توضیحات بسیار مفید آمده است. توضیحات ترجمه و شماره پانویس‌ها در متن فارسی جانمایی گردید تا برای فهم موضوع مستقل از متن انگلیسی شود.

در پایان، بر خود واجب می‌دانم از همه سرورانی که در ترجمه این اثر کمک نموده‌اند به‌ویژه همسر گرانقــدر و فرزندان عزیزم و نیز کمک‌های ارزنده جناب آقای دکتر صادق حیدری نیا، راهنمایی‌های جناب آقای دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد و سرکار خانم حسنین که ویراستاری کتاب را انجام دادند و نیز عزیزانی که در تهیه و انتقال نسخه‌های تایپی مســاعدت کردند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. سپاس خود را به حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سیدهادی خامنه‌ای ریاست پژوهشکده تاریخ اسلام و همکاران گرانقدرشان به‌ویژه جناب آقای خلیل قویدل مدیر محترم انتشــارات که امکان چاپ و انتشار کتاب را فراهم کردند، تقدیم دارم.

در خاتمه، از صاحب‌نظران و خوانندگان گران‌قدر درخواست همیشــگی‌ام را تکرار کنم که با نقد و بیان نظرات ارزنده‌شان موجبات اصلاح خطاهای احتمالی در چاپ‌های بعدی را فراهم آورند.»

کتاب فوق در دو بخش به رشته تحریر درآمده که در بخش دوم، فواید ساخت و اداره بیمارستان عمومی بررسی و شرح داده شده است. در انتهای کتاب نیز کتابنامه و نمایه آمده است.

در پایان، ضمن تقدیر و تشکر از همکار عزیزمان آقای دکتر قربان بهزادیان‌نژاد، مطالعه کتاب فوق را به تمامی همــکاران و مخاطبان رازی، توصیه می‌کنیم.